



# جیدن و سورپرایزش در پارک

مترجم: آرتوکیهان



۱

جیدن ۶ ساله است. او جمعه‌ها صبح در اتاق نشیمن نقاشی می‌کشد. یک روز جمعه وقتی داشت نقاشی می‌کرد، صدای عجیبی از بیرون خانه شنید. چیزی شبیه صدای زنگوله یا شاید هم صدای پارس سگ همسایه بود. جیدن نمی‌توانست صدا را بخوبی تشخیص دهد به همین دلیل از خانه بیرون رفت تا ببیند صدای چیست. خوب دقت کرد. صدا شبیه صدای یک بچه اسب هم بود. صدا از بالای درخت سبب می‌آمد. با خود گفت بیچاره حتماً به شاخه درخت گیر کرده است. صدای خش خش دیوانه‌واری شنیده می‌شد.



۴

زده و از او کمک خواست. «یونبیل» کجایی؟ کمک... «یونبیل» کجایی؟ کمک... یونبیل شجاع بلافاصله خود را به جیدن رساند و با دندان‌هایش او را گرفت و از درخت پایین آورد. «یونبیل» دوست افسانه‌ای جیدن او را نجات داده بود. پدر و مادر جیدن از لحظه نجات دخترشان فیلم گرفته بودند. شب، جیدن فیلم نجاتش را نگاه می‌کرد و از اینکه پدر و مادرش داستان او را باور کرده بودند، احساس شادی می‌کرد.

نویسنده: گلن مارک

است و به او گفته هر وقت کمک خواست می‌تواند به جیدن کمک کند، مادرش باور نکرد. یک روز، جیدن به همراه پدر و مادرش برای پیاده‌روی به پارک رفته بود که ناگهان تصمیم گرفت تا از درختی بالا برود. اما آنقدر بالا رفت که دیگر نمی‌توانست برگردد. او فریاد می‌زد و از پدرش کمک می‌خواست اما پدرش نمی‌توانست از درخت بالا برود و به او کمک کند. پدرش دنبال راه نجات دیگری می‌گشت. در همین زمان جیدن به یاد «یونبیل» افتاد و با فریاد، نام او را صدا

جیدن داستان یونبیل را برای پدر و مادرش تعریف کرد ولی مادرش فکر کرد این یک داستان و یک رؤیای شیرین و جذاب است. او به جیدن گفت بیا موهایت را مثل «یونبیل» ببندم تا تو هم یک تک‌شاخ بشوی. جیدن هرچه‌قدر به مادرش گفت که این یک داستان نیست و واقعی «یونبیل» واقعی

درست شنیده بود؟ انگار یک نفر داشت فریاد می‌زد: به من صدمه زن. جیدن تصور کرد یک پرنده با او صحبت می‌کند. وقتی به درخت نزدیک‌تر شد متوجه شد که این صدای یک پرنده نیست بلکه یک تک‌شاخ بنفش با یال‌های صورتی است که زنگوله‌ای طلایی به دور گردنش بسته شده. اسب کوچولو به شدت وحشت کرده بود و تقلا می‌کرد تا خودش را از شر شاخه‌ای که دور پایش پیچیده شده بود رها کند.

۲



۳

جیدن به اسب کوچک شکفت‌انگیز گفت: نمی‌خواهم به تو آسیب بزنم. می‌خواهم به تو کمک کنم. جیدن به آرامی پای اسب کوچولو را از شاخه جدا کرد. اسب پرنده به جیدن گفت: متشکرم، متشکرم دوست من. اسم من «یونبیل» است هر زمان احتیاج به کمک داشتی فقط مرا صدا کن «یونبیل» من فوراً به کمکت خواهم آمد. اسب پرنده خوشحال و خندان از جیدن خداحافظی کرد و به سمت آسمان پرواز کرد.



از من پرس

## هوای گوشتان را در پرواز داشته باشید

وقتی روی صندلی‌تان در هواپیما نشستید و هواپیما آماده پرواز شد، میهمانداری خوشرو با یک سینی آب‌نبات از شما پذیرایی می‌کند. اما این آب‌نبات برای خوشامدگویی نیست. حتماً متوجه شده‌اید که هنگام پرواز، بخصوص هنگام بلند شدن و نشستن هواپیما، گوش‌هایمان می‌گیرد. این به علت تغییر فشار هواست. تغییر فشار هوا و نامتعادل بودن آن به گوش‌ها فشار وارد می‌کند و به اصطلاح هوا در گوش‌هایمان می‌پیچد. این باعث می‌شود صدایی نشنویم یا گاهی حتی گوش درد می‌گیریم.

وقتی آب‌نبات می‌خورید یا آدامس می‌جوید بزاق بیشتری در دهان تولید می‌شود. برای همین مجبور می‌شوید مرتب آب دهانتان را قورت بدهید. این کار یکی از راه‌هایی است که فشار هوا روی گوش‌ها را کم می‌کند. راه‌های دیگری هم برای کم کردن از این فشار و جلوگیری از گوش درد وجود دارد. ساده‌ترینش خمیازه کشیدن است.

راه دیگر، کمی احتیاط لازم دارد. بینی خود را با دو انگشت بگیرید و با دهان نفس بکشید. سپس، هوا را آرام به درون بینی بدمید. احتمالاً صدای تقه در گوش‌تان خواهید شنید که به معنی باز شدن گوش‌تان است. اگر این راه را انتخاب کردید خیلی آرام و با احتیاط انجامش دهید چون در غیر این صورت به گوش‌تان آسیب جدی وارد می‌شود.

کاردستی

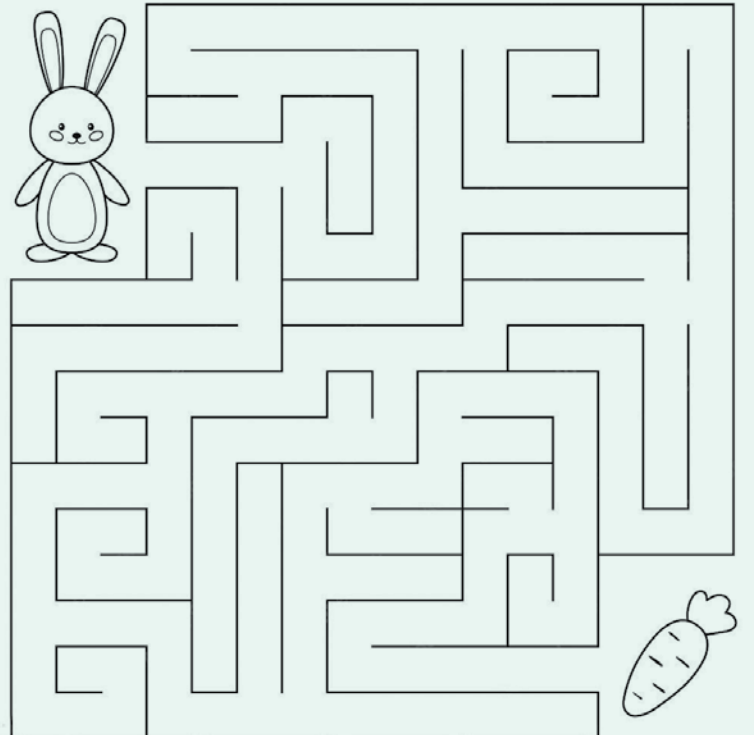
## پیاپامیوه کاج جوجه تیغی بسازیم



با میوه کاج و استفاده از چند تکه موکت رنگی کوچک می‌توانید جوجه تیغی بامزه خودتان را بسازید. تکه موکت‌ها را به شکل پوزه جوجه تیغی ببرید و با قرار دادن یک تکه موکت کوچک سیاه به جای بینی جوجه تیغی، شکل پوزه را کامل کنید. بعد این تکه‌ها را در قسمت جلوی میوه کاج بچسبانید. به همین راحتی جوجه تیغی شما ساخته شد.

زنگ تفریح

۱ خرگوش کوچولو را به هویج برسانید



شماره‌ها را به هم وصل و نقاشی را کامل کنید

